

این ایامیست که قلم و لسان جز بذکر شهدا ساکن نه و دوست نداشته و ندارد بذکری مشغول شود ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۲۰۳

هو الله تعالى شأنه العظمة والكبرياء

این ایامیست که قلم و لسان جز بذکر شهدا ساکن نه و دوست نداشته و ندارد بذکری مشغول شود مگر بذکر نفوسیکه در انجمن عالم در سبیل اسم اعظم جان و روان و جسم و جسد و مال و منال و اهل جمیعاً بکمال تسلیم و رضا انفاق نمودند انّ السّماء تبکی و الغمام ینوح و الجبال تصیح و القلوب تفور یا لیت کنت معهم و فزت بما فازوا قسم بآفتاب افق بیان که در امکان چنین مصیبتی ظاهر نگشته و بچنین فضل احدی فائز نشده سوّد الله وجوه اللّذین کفروا و اعرضوا و قاموا و ذبحوا اللّذین ناح فی مصیبتهم سیّد الأنبیاء فی الجنّة العلیا و النّقطة الأولى عند سدرۃ المنتهی صدهزار حسرت و افسوس که این فانی بچنین فیض اعظم فائز نشد قسم بجمال قدم که این حسرت در دل مانده از قلم اعلی در باره آن نفوس مقدّسه کلماتی ثبت شده که نورش بدوام ملک و ملکوت باقی خواهد ماند تالله قد احترقت اکباد اهل الفردوس بما نزل فی هذه المصیبة الکبری من قلم الله مقصودنا و مقصودکم و مقصود من فی السّماوات و الأرضین در هر حین صدهزار بار اینخادم دوست داشته که بکلمه یا لیتنی کنت معهم ناطق گردد تعالی من خلقهم و تعالی من عرفهم و رفعهم و عزّزهم مشاهده کنید و تفکر نمائید که نورین تیرین و نفسین زکیّترین قبل از ورود به زوراء ذکری از ایشان در مدن و دیار نبوده و بعد از آنکه بطراز ایمان فائز شدند و بلقای رحمن مشرف آمدند حقّ جلّ جلاله ایشان را بقدرت کامله خود بردای عزّت و رفعت مفتخر نمود چنانچه شنیدید و دیدید محلّشانرا مأوای مخلصین قرار فرمود و خودشانرا ملاذ واردین و بعد چون از قبل از حقّ جلّ جلاله آمل شدند که بشهادة کبری در سبیل مالک اسماء فائز شوند لذا در آخر عمر فائز شدند بمقامیکه والله الذی لا اله الا هو کلّ مرسلین و مخلصین و مقربین طالب و آمل آتمقام بوده و هستند

ای برادر کلّ فضل در ید محبوب حقیقی است هر کس را بخواهد به ما هو المقصود فائز میفرماید لیس لأحد ان یعترض او یقول لم اوجم انه هو المختار المقتدر القدير و از قلم اعلی در این مصیبت کبری نازل شده آنچه که معادله نمینماید بحرفی از آن آنچه در زمین مشهود است و آنچه در آسمان ظاهر و مستور است گاهی این عبد تفکر در مصیبات وارده بر آن نفوس مقدّسه مینماید میخواهد بصیحه و نوحه و ندبه مشغول شود و گاهی بفضلیکه شامل حال ایشان شده نظر میکند به یا لیتنی



ORIGINAL

کنت معهم ناطق می‌گردد و بفرح لایحسی خود را مشاهده مینماید طوبی لهم ثم طوبی لهم حال تفکر ثنائید از برای هر نفسی در هر صورت موت مقرر و ثبت است و البته جان در سبیل رحمن مابین ملأ امکان صعود نماید صدهزار بار افضل است از موتیکه بر فراش واقع شود چه فائده که اکثری از ناس از این مقام بلند اعلی غافلند یسأل الخادم ربّه المقتدر العلیّ الأبهی بأن یقدر لكل نفس ما یقرّبه الیه و یعرفه اسرار حکمته فیما ظهر و یظهر أنّه هو الفرد الواحد المبین العلیم الحکیم

ایدوست مهربان دو مکتوب از شما رسید اول و ثانی هر دو از دار الاحباب یعنی ارض قاف ارسال شده بود مکتوب اول مزین بود بذکر الهی و خدمت امرش و سلامتی آنجناب و جناب امین علیه بهاء الله و هم چنین مکتوب ثانی الحمد لله که آنجناب بخدمت امر فائز شده و بکمال صدق و صفا و امانت مابین خلق ظاهر گشته هر نفسی الیوم بصفات مرضیه ظاهر شود او مبلغ امر است چه که افعال پسندیده و اخلاق و صفات شایسته بنفسها مروج امر محبوب عالمست چنانچه این معنی از قلم اعلی عبارات شتی در الواح نازلشده طوبی للعالمین و نعیماً للفائزین اینخادم فانی از قبل آنجناب و جناب امین علیک و علیه بهاء الله در کلّ حین شکر مینماید و فی الحقیقه مقام شکر و حمد است چه که هر نفسی مؤید نشده بآنچه شما مؤید شده‌اید انّ الخادم یحمد الله بذلک و یقول بلسانکم انّ الحمد لک یا مقصود العالمین و الشکر لک یا محبوب العارفین و فی هذا المقام یقول لسان ظاهری و باطنی الحمد لله ربّ العالمین و بعد از اطلاع این عبد بآنچه در مکتوب آنجناب بود بمقام اقدس انور ابهی توجه نمود تلقاء وجه جمیع آنچه ذکر نموده بودید معروض داشت فرمودند انشاء الله لم یزل و لایزال در ظلّ رحمت الهی ساکن باشند و بخدمتش مشغول و فرمودند اینخادم از حقّ بخواه تا ایشانرا بر خدمت خود مستقیم فرماید و در جمیع اوان و احیان بطراز امانت مزین دارد و این خلعت اعترّ ابهی را از ایشان منع ننماید أنّه هو المقتدر القدیر انتهى

و اینکه در باره نفسین مقبلین در ارض قاف و میم نوشته بودید بساحت اقدس عرض شد هذا ما انزله الرحمن من ملکوت البیان یا ابالحسن انا سمعنا ندائک و ما کتبت فی النفسین طوبی لک و لهما من لدی الله الفرد الواحد المجزی الحکیم انا سمعنا ندائهما و رأینا ما عملا فی سبیل الله ربّ العالمین و قبلنا ما اظهر منهما فی سبيله المستقیم

انا نذکر محمد قبل حسین الذی فاز بعرفان الله فی يوم فيه اضطربت افئدة العارفین ان یا حسین ان افرح بما ذکرک لدی العرش و نزل لک من ملکوت عنایة ربک ما تقرّ به عیون الناظرین قد قبل المقصود ما عملته فی سبيله انه هو المختار العزیز البدیع

و نذکر من سمی بمحمد قبل رضا و نبشّره بهذا الذکر المبین الذی به ماجت البحار و هاجت الأریاح و تضوّعت رائحة القميص بین السموات و الأرضین ان افرح بذکری و بشّر نفسک بهذا الکتاب الکریم انا قبلنا ما ظهر منک فی ایام الله انه یجزیکما احسن الجزاء انه هو المقتدر القدیر انتهى

و اینکه نوشته بودید که بآن نفوس ذکر شده بود که حقوق الله را بهر نفسی نمیتوان داد اینکلمه حقّ بوده باید حقوق الله نزد نفوس امینه جمع شود و بعد بید امنای الهی بساحت اقدس ارسال گردد و آنچه بحضرت آقا جمال علیه بهاء الله و شما رسیده لدی الحقّ مقبولست و هم چنین بامّ حرم علیها بهاء الله از حقّ میطلبیم جمیع احباب را بطراز دیانت و امانت فائز فرماید در این سنه نظر ببعضی امورات وارده در ارض سجن از سماء مشیت الهی در ذکر انقطاع و امانت و امثال آن آیاتی نازل که اگر بر جبال عرض شود تخضع لأمر الله عجبت که بعضی قدر و مقام امانت را ندانسته‌اند و مراعات شأن

خود نموده‌اند خود که شأنی ندارند و لكن شأن الله را بین عباد تغییر دادند انشاء الله امیدواریم از بعد آنچه از ایشان فوت شده قیام نمایند و تدارک اعمال کنند باید در جمیع احوال بافق عنایت غنی متعال ناظر باشند و بخدمت امر مشغول و آنچه در فقره ارض ه و م در باره جناب آقا محمد باقر علیه بهاء الله نوشته بودید بساحت اقدس عرض شد و بطراز قبول فائز ایشان فی الحقیقه بخدمت امر قیام نموده‌اند اسأله تعالی بأن یؤیّده فیکلّ الأحوال و یرفعه بالحقّ انه هو المقتدر القدير

و هم چنین در باره جناب آقا محمد حسن علیه بهاء الله ذکر نموده بودند فرمودند طوبی له بما فاز بما انزله الله فی الکتاب الحمد لله از نفوس مطمئنّه طیّبه در آن ارض نفحات محبت محبوب عالمیان متضوّعت انشاء الله کل بافق اعلی فائز شوند و بذکر و ثنای حقّ ناطق قل

سبحانک یا اله الغیب و الشّهود و مالک الوجود اسألك بالموعود الذی استوی علی عرش عظمتک و قام مقام نفسک بأن تؤیّد العباد علی الاقبال الی بحر علمک الذی ماج باسمک و سلطانک و طهر یا الهی قلوبهم من الظّنون و الأوهام فی هذا الیوم الذی فیهِ اشرقت شمس الیقین من افق الاقتدار ایربّ نحن فقرآء بیابک و عجزآء عند ظهورات قدرتک اسألك یا مالک الامکان باسمک الرّحمن بأن تقرّب الغافلین الی افق ظهورک و توصّلهم ولو بالسّلاسل و الأغلال الی شطر مواهبک ایربّ هم غفلوا عن آیامک بما اتّبعوا مطالع الظّنون الذین کفروا بآیاتک و عزّتک لو تکشف الغطاء عن وجههم یسرعون الی مقرّک و یصیحون فی العراء فی فراقک ثمّ انزل یا الهی علی احبتک ما یطمئنّ به قلوبهم و یقرّ به عیونهم و ینشرح به صدورهم انک انت المقتدر علی ما تشاء لا اله الا انت القادر المهیمن العلیم الحکیم انتهى

نسأل الله بأن یوفّقک و جناب المؤمن علی ما یرتفع به امر الله و ذکره انه هو المقتدر القدير البتّه اخبار خود و جناب امین علیه بهاء الله بفرستید جمیع احبای آن ارض یعنی نفوسیکه از ما سوی الله منقطعند و فی الله ناطق و بالله متمسک و الی الله راجع و فی سبیل الله سالک از جانب اینفانی تکبیر برسانید و بگوئید هذا یوم الخدمة و الذکر و الثناء طوبی لأهل البهآء و الرّوح و البهآء علیک و علیهم و علی من فاز بالمقام الأعلی

خادم

فی ۵ رمضان سنة ۱۲۹۶